



یکی از دلایل مجازی شدن دید و بازدید ها مشکلات اقتصادی است.



که نمی‌تواند گره‌ای از مشکلات مردم باز کند. مدیر مسئول اعتماد در پاسخ به این موضوع که چرا رئیس جمهور به موضوع بازتاب عملکردش در رسانه‌ها پرداخته‌است و آیا فضای نقد در رسانه‌ها ممکن است؟ گفت: «دولتمردان در نهادهای قضایی، سیاسی و اجرایی، تقنینی و امنیتی باید چشم‌های خود را بشویند و مجدداً به مشکلات جامعه نگاه کنند. تا زمانی که از پنجره روزنامه کیهان و حسین شریعتمداری به مسائل و موضوعات نگاه می‌کنند، قطعاً روزنامه‌ها و رسانه‌های منتقد را دشمن می‌بینند. با عینک آقای شریعتمداری روزنامه‌های منتقد تنها دشمن، بلکه جاسوس و غرب‌بزه هستند. این یکی از مصیبت‌های کشور است که دولت برای مقابله با این بحران‌ها هر چه می‌تواند از انتخابات کرده و مشکلات کشور، ناامیدی و بی‌اعتمادی نتیجه مدیریت جمعی از افراد غرب‌بزه، منفعل، غیر انقلابی و غیر جهادی است و اگر نیروهای جهادی و انقلابی با عنوان و پرچم جهادی و انقلابی پا به عرصه بگذارند، مشکلات کشور حل می‌شود. معتمد دولتمردان باید نحوه ایفای نقش هر یک از رسانه‌ها را بررسی کنند و رسانه‌های منتقد را باید جدی‌تر بگیرند و مشکلات کشور را بیشتر با آن در میان بگذارند. طبیعی است رسانه‌های منتقد می‌خواهند که مشکلات مردم را به مسئولان منعکس کنند و جهت اصلاح آن قلم می‌زنند و در این تعامل دوطرفه، آنچه در راستای منافع ملی کشور و راه حل مشکلات زندگی مردم است باید به نتیجه برسد. رسانه‌ها سخنگوی یک نهاد نیستند بلکه صدای بی‌صدایان، ملت و مردم هستند. قدرت رسانه هم قدرت بی‌قدرت است.»

او افزود: «ایفا کردن نقش رسانه در دسرسرهای دارد و قطعاً روزنامه شما هم اینطور است. در حال حاضر رسانه‌ها از دو محور مورد تهاجم واقع می‌شوند. محور اول شکایات، مرتب رفتن به دادسرای رسانه، دادگاه و هیئت منصفه‌ای که ترکیب آن مشخص بوده که از قبل حکم محکومیت و غیر قابل تخفیف را داده است. اصولاً رسانه‌ها مجرم شناخته می‌شوند. «مدیر مسئول اعتماد در ادامه بیان کرد: «محور دوم فشار آگهی‌ها و همکاری پنگاه‌های اقتصادی با روزنامه‌هاست. درست مانند آمریکا که در همین گرفته تا مشخص کند چه شرکت‌هایی با ایران همکاری دارند یا کدام کشور از ایران نفت خریده است، بنگاه‌های اقتصادی نیز رصد می‌شوند که مثلاً به روزنامه هم میهن آگهی داده اند یا خیر. به سرعت با شرکت‌هایی که به رسانه‌های منتقد آگهی می‌دهند، تماس می‌گیرند و به مدیران آن اعلام می‌کنند اگر می‌خواهند در پیست خود بمانند دیگر به این رسانه‌ها آگهی ندهند. البته ما این شیوه را در زمان آقای احمدی نژاد نیز تجربه کرده ایم. این تجربه باعث شده که همیشه به دولتمردان بگویم روزنامه‌ها پشتوانه مردمی دارند و می‌مانند، ولی شما جابه‌جایی می‌شوید و این روش‌ها نمی‌توانند روزنامه را تعطیل کنید. البته متأسفانه در این جلسه آقای مظفری اعلام کرد که از یکشنبه به بعد روزنامه آفتاب یزد منتشر نمی‌شود.»

حضرتی در پاسخ به این سوال که نمره شما به دولت رئیسی برای ایجاد فضای باز انتقاد در رسانه چیست؟ بیان کرد: «تحمل انتقادات در دولت رئیسی یک ظاهر دارد و یک باطن. با وجود آنکه پس از انتشار گزارش حساب، وزارت کشور از روزنامه اعتماد شکایت کرد و دادستانی هم در کنار او بود اما دولت در ظاهر رسماً از رسانه‌ها شکایتی نمی‌کند. بهتر است بگویم کمتر اتفاق می‌افتد که از رسانه‌های شکایت کند. دولت سعی می‌کند به ایرادات روزنامه پاسخ دهد اما جواب‌های ارسال شده هیچ ربطی به مسائل مطرح شده در روزنامه ندارد. گاهی هم پاسخ‌های اشتباهی از سوی دولت به رسانه‌ها ارسال می‌کنند و این اشتباهات حاکی از آن است که پاسخ‌گویی‌های دولت در ارتباط با ایرادات اساسی رسانه‌ها ساماندهی شده نیست. اما موضوع این است که در بخش دیگر رسانه‌ها از درون دولت محدودیت‌هایی مانند محدود کردن آگهی‌ها ایجاد می‌شود. در مورد این محدودیت‌ها نمی‌توان به دولت نمره‌ای داد. در مجموعه اگر قرار باشد به دولت رئیسی نمره‌ای بدهم با رافق زیاد نمره ۱۲ را می‌دهم.»

مدیر مسئول روزنامه اعتماد درباره درخواست رئیس جمهور از رسانه‌ها که درباره کنترل نقدینگی، کاهش تورم... بنویسند اما چرا آمارهایی که دولت در این شاخص‌ها ارائه می‌کند در زندگی مردم نمودی پیدا نمی‌کند؟ در پاسخ به این سوال گفت: «احمدی نژاد زبان رسانه را می‌دانست و خودش یک رسانه بود. حتی اگر الان هم اظهار نظری بکند تیرت اول رسانه‌ها می‌شود و حرفش منتشر می‌شود. اما در دولت روحانی و دولت رئیسی یک مشکل بزرگ وجود دارد. آنها با ادبیات و فضای رسانه بیگانه هستند. لذا کاری که انجام می‌دهند نمی‌تواند دست‌بندی کرده و مطابق با ذائقه مخاطب به رسانه ارائه دهند. آنها آمارهای خود را خام و قلمی اعلام می‌کنند. او با اشاره به این مسئله گفت: «آنها حقوق بگیران ثابت با افزایش تورم بسیار زیاد است، افزود: «هر چند دولت‌ها در نگاه‌داشتن تورم روی ۵۰٪ تا ۲۵٪ درصد موفق باشند اما وقتی حقوق‌ها ۲۰٪ درصد افزایش پیدا می‌کند، باز هم فاصله‌های معنادار در حد ۱۵٪ درصد وجود دارد. امیدوارم حداقل افزایش حقوق کارگران معنادارتر و بیشتر باشد. حقوق باید با تورم تناسب داشته باشد و همچنان مردم گله‌مند و ناراضی خواهند بود.»

حضرتی در پاسخ به این سوال که رئیسی اعلام کرده مسئولان پاسخگو هستند، آیا دولتمردان برای پاسخگویی در دسترس رسانه‌ها هستند؟ گفت: «دولتمردان خیلی کم‌پاسخگو هستند و حتی از پاسخگویی به رسانه‌های منتقد فرار می‌کنند. گاهی برخی از نهادها پاسخ‌های کنیی که هیچ تناسبی با طرح سوال ندارد را به رسانه ارسال می‌کنند. آنها اغلب سعی می‌کنند که به صورت تلفنی پاسخ روزنامه‌های منتقد را ندهند.»

در خصوص این دست‌بندی‌ها وجود دارد. این فعال رسانه‌ای اصلاح طلب ادامه داد: «مدیر مسئول آفتاب یزد در اعتراض به غیر پاسخگو بودن دولت در حوزه‌های مختلف، اعلام کرد که امسال آخرین سال انتشار این روزنامه بعد از ۲۴-۲۳ سال فعالیت پیوسته خواهد بود. او گفت دیگر با این وضعیت نمی‌توان ادامه داد؛ بحث فشارهای اقتصادی که رسانه‌ها با آن درگیر هستند یک موضوع است، عدم توانایی رسانه‌ها برای برآورده‌سازی توقع مخاطبان نیز موضوعی دیگر است. اظهار نظر مدیر مسئول آفتاب یزد، واکنش‌هایی از جانب طرف مقابل یعنی وزیر ارشاد، معاون مطبوعاتی و رئیس جمهور به دنبال داشت مبنی بر اینکه نباید این اتفاق بیفتد و این روزنامه تعطیل شود. اما من فکر می‌کنم که این موضوعات را باید فراتر از تعارفات معمول دید و چاره‌ای برای آن اندیشید. «حیدری با اشاره به تکرار کلیدوازه امید و امیدآفرینی توسط مقامات کشور، افزود: «امیدآفرینی باید پایه و مبنایی داشته باشد. اینکه بخواهیم دچار خوش بینی‌های مفرط باشیم و بگویم هیچ مشکلی در جامعه وجود ندارد، اتفاقی نیفتاده و چشم‌پوشان را روی مشکلات و نارسایی‌ها ببندیم، کاملاً غلط است. ما در فضای خلا کار و زندگی نمی‌کنیم. واقعیت چیز دیگری است و این واقعیت طی دو سه سال اخیر چهره تلخ و سخت خود را به مردم نشان داده است. مردم می‌فهمند که چه اتفاقاتی در حال وقوع است. نمود این وضعیت در همین انتخابات اخیر خود را نشان داد. اگر فضای امیدواری و اعتماد به آن معنایی که آقایان ترسیم می‌کنند، بود، قطعاً نتیجه انتخابات و میزان مشارکت چیز دیگری می‌شد. عادت کرده ایم که شیور را از سر برعکس آن بنوازیم و فکر می‌کنیم با تکرار کلمه امید می‌توانیم مردم را امیدوار کنیم، که امری کاملاً اشیانه است.» مدیر مسئول اینا ادامه داد: «در آن جلسه دقت کردم و متوجه شدم که برخی دوستان و همکاران از طیف حامیان دولت، جوری حرف می‌زدند که انگار در یک جامعه آرمانی نشسته‌اند و هیچ مسئله و مشکلی در آن وجود ندارد. اگر همین نگاه به عنوان وضعیت موجود بازنمایی شده و به اطلاع مقامات ارشد از جمله رئیس جمهور برسد، مشخص است که فکر می‌کنند عده‌ای مشغول سیاه‌نمایی هستند. به طور مشخص فاصله‌های وجود دارد میان واقعیت و آنچه در ذهن این طیف است. به رغم اینکه این دوستان می‌گفتند ما با گذشته کاری نداریم و نمی‌خواهیم مشکلات را گردن دولت قبل بیاوریم، من چیزی غیر از این در صحبت‌هایشان ندیدم. ما مدام باید تکرار می‌کردیم که شرایط دولت پیشین چه بود و چه اتفاقاتی افتاد؛ روحانی چه میراثی از محمود احمدی نژاد که بدترین عملکرد را داشت را داشت، تحویل گرفت. اگر موضوع مذاکره هسته‌ای و حل و فصل آن مسئله، در آن برهه از زمان اتفاق نمی‌افتاد و اجازه تک تکس چند ساله به کشور نمی‌داد، وضعیت از آنچه امروز هست یزدتر بود. اما این دوستان نمی‌خواهند این مسئله را بپذیرند.»

ابریحان ناامیدی دامن کشور را گرفته است

الیاس حضرتی، مدیر مسئول روزنامه «اعتماد» و فعال سیاسی به عنوان یکی از مدیران رسانه در جلسه با ابراهیم رئیسی حضور داشت. او درباره مسائل مطرح شده در این جلسه به هم میهن گفت: «صحبت‌های رئیس جمهوری بیشتر معطوف به صحبت‌های من بود. من گفتم که در ملاقات با شما و آقای روحانی در دولت دوازدهم - موضوعی را مطرح کردم مبنی بر اینکه «ابریحان ناامیدی نسبت به آینده و بی‌اعتمادی به مسئولان و حاکمان» دامن جمهوری اسلامی را گرفته است. پژوهش و نظرسنجی‌های مختلف این موضوع را به تصویر می‌کشند و زین‌ترین و واقعی‌ترین شکل آن را در انتخابات مشاهده کردیم. ۶۰ درصد در انتخابات مشارکت نکردند و ۸ درصد نیز آرای باطله بود، یعنی ۶۸ درصد. و با اشاره به اینکه ناامیدی نسبت به آینده، محبتی پیچیده و جدی است، افزود: «سیل مهاجرت‌ناشی از ناامیدی به آینده است. افزایش خودکشی نیز مربوط به دیدن آینده‌ای تیره و تاریک و بی‌اعتمادی نسبت به توانایی مسئولان نسبت به حل مشکلات است. پیشنهاد ما این است که اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد پایدار باشد، باید کمیته ملی تشکیل شود تا عدم مشارکت ۶۸ درصدی در انتخابات و ناامیدی موجود در جامعه را مورد بررسی قرار دهد. تا زمانی که ناامیدی حل نشود رئیس جمهوری هر چقدر هم به شهرستان‌ها مسافرت کند و دیدارهای مردمی داشته باشد، تأثیری در اصل ناامیدی نمی‌گذارد. جهت حل این ناامیدی و بی‌اعتمادی موجود در جامعه باید پژوهش‌های علمی صورت گیرد نه اقدامات قضایی، امنیتی و انتظامی. به رئیسی گفتیم: شما می‌توانید بحران سال گذشته، سال‌های ۹۶ و ۹۸ را حل کنید در حالی که حل نشده و فقط به روش‌های قضایی، امنیتی و انتظامی متوسل شده‌اید. باید از شخصیت‌های مختلف علمی و سیاسی دعوت و این بحران‌ها را ریشه‌یابی می‌کردید. در این شرایط رسانه هم می‌توانست به شما کمک کند اما شما به رسانه هم جدی نگاه نکرده و نمی‌کنید.»

حضرتی تأکید کرد: «حسین شریعتمداری به من پاسخ داد: «چیزی که شما از آن به عنوان بحران ناامیدی یاد می‌کنید نیاز به آمار و مستندات دارد و کلی‌گویی فایده‌ای ندارد. رئیسی نیز اعلام کرد که دیگر رسانه اصلاح طلب و اصولگرا وجود ندارد. در حال حاضر رسانه‌ها دو بخش هستند: رسانه امیدآفرین و ناامیدی‌آفرین. رسانه‌ها ما را نقدی منصفانه. ضمن آنکه باید نکات مثبت حکومت و دولت را هم منتشر کنند. هدف رسانه‌های خارج از کشور این است که جمهوری اسلامی را بی‌کارکرد، بدون کارنامه، عمل و نتیجه نشان دهند



درگیری تجمع کنندگان حجاب با پلیس

صورت برگزاری هر تجمعی باید از وزارت کشور مجوز دریافت کنند. کلان مسئله براساس این اصل، این تجمع اگر مصلح به مبنای اسلام نباشد و در آن سلاح گرم وجود نداشته باشد تا پیش از هرگونه درگیری در صورتی که نظم شهری را نیز برهم نزده باشد، ایراد قانونی ندارد.»

او ادامه داد: «کنه مهم این اصل نوع بر خورد نهادهای بالادستی با این قانون است زیرا مسئولان امر رفتار دوگانه‌ای با این اصل دارند؛ به طوری که اگر تجمع متعلق به نیروهای انقلابی باشد، برگزاری آن با هر شرایطی بدون ایراد و قانونی است اما اگر تجمع توسط نیروهای منتقد باشد باید توسط نهاد ذی صلاح یعنی وزارت کشور برای آن مجوز صادر شود. بنابراین در صورت برگزاری بدون مجوز مستند بر ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی، این تجمع اجتماع و تباہی محسوب شده است. مصداق آن نیز برگزاری مراسم برای هوپیمای اوکراینی و شمع روشن کردن مردم بود. معتمد دستگاه‌های قضایی نحوه مواجهه خود را با هر گروه تجمع کننده یکسان کند و نباید تنها با تجمعات گروه‌های منتقد برخورد قهرآمیز داشته باشد.»

این وکیل درباره آنچه در تجمع اخیر آلمان حجاب رخ داد نیز گفت: «نهایتاً تجمع حامیان آلمان به معروف، بلکه هر تجمعی چه موافق حکومت و چه مخالف حکومت باشد، بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی تجمعی که مصلح به مبنای اسلام و متضمن حمل سلاح نباشد، نیازی به اخذ مجوز ندارد. مشروط بر اینکه نظم عمومی و شهری را برهم نزند. هیچ کس حق برخورد با این تجمعات را ندارد. اما اگر در این تجمعات افرادی درگیری ایجاد کنند، می‌شود براساس ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی که از مصادیق اخلال در نظم عمومی است و باید با آن برخورد کرد. اتفاقاً حکومت و نیروی انتظامی وظیفه تأمین امنیت تجمعات را بر عهده دارد. البته در قانون احزاب استثناء بوده و احزاب و گروه‌ها باید مجوز بگیرند، اما این شامل افراد و گروه‌های مردمی نمی‌شود.»

این حقوقدان درباره برخورد فیزیکی صورت گرفته در این تجمع، اضافه کرد: «در هیچ کدام از متونی که ما مطالعه کردیم، شخص آمر به معروف و نهی از منکر حق برخورد قهرآمیز ندارد. حتی نمی‌تواند دخالت کند. فقط می‌تواند تذکر بدهد و عبور کند. اما در خصوص برخورد فیزیکی و ضرب و شتم مأموران نیروی انتظامی، اگر این افراد پیشینه و پشتوانه محکمی دارند که به خود اجازه می‌دهند مأمور نیروی انتظامی که وظیفه‌اش برقراری نظم است، برخورد بکنند، مصداق تعدد برابر مأمور دولتی هستند. باید دستگیر شوند و تحت برخورد قرار بگیرند. طبیعی است که در حال حاضر نیروی انتظامی و فرمانده آن وظیفه حمایت از مأموران را دارند که در این تجمع مشمول آسیب شدند. البته نیروی انتظامی توسط این افراد شکسته شده و این نیرو و دادستان تهران باید با این موضوع برخورد کنند. هیچ کس حق ندارد با مأموری که در حال انجام وظیفه است، این برخورد داشته باشد.»

گروه خبر: تجمع برای امر به معروف و نهی از منکر حجاب منجر به درگیری این افراد با نیروهای پلیس شد. در نهایت نیز این درگیری با ورود یگان ویژه خاتمه یافت. تجمع کنندگان با سردان شعارهایی و در دست داشتن تابلوهایی نسبت به نوع پوشش در جامعه اعتراض کردند. این نخستین بار نیست که شاهد تجمع برای حجاب هستیم اما می‌توانیم بگویم که بعد از اعتراضات سال ۱۴۰۱ شاید این نخستین تجمعی درباره حجاب است که در نهایت منجر به درگیری میان تجمع کنندگان و نیروهای پلیس شد. به وضوح مشخص نیست که با توجه به اظهارات اخیر برخی از مسئولان به خصوص وزیر کشور و رئیس فرمانده قرارگاه رهاگه بالله درباره آلمان به معروف حجاب، در آینده نزدیک شاهد چند تجمع اعتراضی دیگر با این موضوع باشیم. اما بدون تردید، درگیری اخیر ریشه در حمایت‌های ضمنی و همه جانبه مسئولان از افرادی دارد که خود را آلمان به معروف حجاب در جامعه می‌دانند. بنابراین این حمایت‌ها علاوه بر تشدید دوقطبی شدن جامعه، فرصت‌ساز آن خواهد شد که این افراد را در مقابل نیروهای پلیس و در کلان قانون باندند. این همان شرایطی است که در آن سنگ بر روی سنگ بند نخواهد شد.

داستان چیست؟

عصر روز چهارشنبه تصاویری از تجمع عده‌ای در مقابل نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاسنور تهران منتشر شد که در آن عده‌ای افراد نسبت به حجاب موجود در جامعه اعتراض داشتند. براساس این تصاویر برخی از افراد از تجمع کنندگان می‌خواهند که در کف خیابان بنشینند و مانع رفت‌وآمد خودروها شوند. این تجمع موجب ترافیک شدید در محدوده شد بنابراین مردم با تماس با پلیس موضوع را گزارش دادند و در نهایت نیز نیروهای پلیس با حضور در محل اعتراض به دنبال آرام کردن محیط و باز کردن مسیر شدند اما برخی از افراد حاضر در این تجمع (زن و مرد) با نیروهای پلیس درگیر شدند. این درگیری منجر به آسیب دیدن تعدادی از افراد و پلیس شد اما در نهایت نیز توسط یگان ویژه خاتمه یافت. درباره این تجمع تاکنون توضیحی از سوی پلیس و تجمع کنندگان منتشر نشده است.

رفتار دوگانه مسئولان امر در اصل ۲۷ قانون اساسی

هوشنگ پوربابایی، حقوقدان و وکیل دادگستری در واکنش به این تجمع به هم میهن گفت: «بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی هر تجمعی که در آن حمل سلاح وجود نداشته باشد و نظم عمومی شهری را نیز برهم نزند، بدون مجوز قابل برگزاری است. البته این قانون برای تجمع احزاب و گروه‌های سیاسی استثناء قائل شده است. بنابراین این گروه در



کرد و الا آن هم بنا داریم این مسیر را توسعه داده و متنوع کنیم. مسیر هوایی اتصال به نخبان نیز از فضای ایران عبور می‌کند. دو کشور به جای دیوارکشی در حال پل زدن میان خود هستند.

همه اقوام ایرانی، ایران را از آن خود می‌دانند و از نظر بنده ایرانی‌ترین قوم در کشور ما آذربایجانی‌های ما هستند و در همه جای ایران هم حضور دارند. شخص اول کشور ما اصالتاً آذربای زبانی هستند و بسیار تأکید و توصیه بر تکلم به این زبان در میان خانواده‌ها دارند. بنابراین سوال شما از اساس صحیح نیست. در حال طراحی پروژه‌های بزرگ اقتصادی برای ایجاد در هم تنیدگی بیشتر اقتصادی دو همسایه هستیم.»

به گزارش هم میهن، ۷ بهمن ۱۴۰۱ حمله مسلحانه‌ای به سفارت آذربایجان در ایران انجام شد که در نتیجه آن، رئیس گروه حفاظت سفارت کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند. هر چند که تحقیقات از انگیزه شخصی فرد مهاجم خبر می‌داد اما رئیس جمهور آذربایجان این حمله را تروریستی و سازماندهی شده خواند و دستور تخلیه سفارت کشورش در تهران را صادر کرد. مهاجم در ایران دستگیر و به اعدام محکوم شد.